

معرفی و نقد کتاب

پان ترکیسم و ایران*

در میان آثار مربوط به ایدئولوژی‌های الحاق‌گرا در جهان امروز، کمترین میزان ادبیات در گستره جهان، به پان ترکیسم مربوط می‌شود. برای نمونه یک مقایسه میان آثار انگلیسی و فرانسوی زبان درباره پان عربیسم، پان اسلاویسم، پان صهیونیسم و پان ترکیسم، نشان می‌دهد سهم پان ترکیسم بسیار اندک است. به جز یکی دو کتاب حاشیه‌ای مربوط به نویسندگان ارمنی، تنها اثر معروف و برجسته به زبان‌های غربی، اثر جیکوب لاندو^۱ (۱) است که مرجع همه پژوهشگران علاقه‌مند به پان ترکیسم بوده است. به جز این کتاب، هیچ اثر برجسته‌ای به یکی از زبان‌های عمده دنیا، یعنی انگلیسی، اسپانیایی، فرانسه، آلمانی و عربی انتشار پیدا نکرده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که اصولاً نه تنها افکار عمومی جهان، بلکه نخبگان تحصیل کرده و حتی علاقه‌مندان به مسائل خاورمیانه، آگاهی چندانی به این پدیده یا ایدئولوژی مهم الحاق‌گرای قرن بیستم نداشته‌اند. گذشته از این، در کشورهای منطقه‌ای نیز، به‌ویژه جهان عرب علاقه چندانی به شناخت این ایدئولوژی و سیاست‌های احزاب و جریان‌های پان ترکیست وجود نداشته است. با این همه، وضعیت ایران تا حد زیادی متفاوت است و تقریباً می‌توان گفت که بیشتر آثار خارجی مربوط به پان ترکیسم و حتی نوشته‌های نویسندگان ارمنی در این باره، به زبان فارسی انتشار پیدا کرده است. علت این علاقه‌مندی افکار عمومی و جامعه فکری — سیاسی ایران را به شناخت پدیده پان ترکیسم، در درجه نخست باید در ارتباطی که ایدئولوژی مذکور با منافع ملی و امنیت ایران پیدا می‌کند، و در گذشته نیز کرده است، جست‌وجو کرد. پان ترکیسم از همان آغاز، ایران، فرهنگ ایرانی و بخش‌هایی از سرزمین آن را هدف قرار داد و دعاوی الحاق‌گرایانه را با آن دنبال می‌کرد.

* بیات، کاوه (۱۳۸۷)؛ پان ترکیسم و ایران؛ تهران: شیرازه، ۲۴۷ ص.



این ارتباط و یا به عبارتی چالش، سبب توجه نویسندگان، مترجمان و فعالان سیاسی - فرهنگی ایران به پدیدهٔ پان‌ترکیسم و تلاش برای شناخت چندوچون آن بوده است. باین‌همه، ایرانی‌ها به امر ترجمهٔ آثار مربوط بسنده نکرده، در حد توان خود تلاش‌هایی را برای شناخت بیشتر پان‌ترکیسم از راه نوشتن مقالات و کتاب‌ها صرف کرده‌اند. یک جنبه از آن تلاش‌ها، و شاید پرثمرترین و سودمندترین آنها، شناخت عمیق‌تر مسئله از طریق جست‌وجو در منابع دست‌اول و متون اصلی مربوط به مباحث پان‌ترکیسم و بازتاب‌های آن در ایران، به‌ویژه واکنش‌های ایرانیان به مواضع خصمانهٔ ضدایرانی رهبران پان‌ترک و سیاست‌های پان‌ترکی علیه ایران، منافع ملی و فرهنگ و تاریخ و تمدن ایران بوده است. پان‌ترکیسم و ایران که به‌تازگی از سوی نشر شیرازه به بازار کتاب آمده است یکی از مهم‌ترین این‌گونه آثار است. کاوه بیات که پیش از این با کتاب آذربایجان در موج‌خیز تاریخ، اسناد و منابع دست‌اول مربوط به چگونگی تغییر نام اران، ایالت مسلمان‌نشین قفقاز، و بخشی از سرزمین‌های سابق ایران را به «آذربایجان» در سال ۱۳۷۹ منتشر کرده بود، اینک اثری بسیار مهم‌تر را که دربرگیرندهٔ اسناد و منابع مربوط به فعالیت‌های ضدایرانی شخصیت‌ها و جریان‌های پان‌ترکیسم در ترکیه، به‌همراه واکنش ایرانیان به آنهاست، به خوانندگان علاقه‌مند به مباحث تاریخ ایران معاصر ارائه کرده است.

این کتاب درواقع نخستین مواضع و اظهارنظرهای شفاهی و کتبی نظریه‌پردازان و فعالان پان‌ترکیست را علیه ایران که در نشریات و منابع سال‌های نخستین پس از کودتای ۱۲۹۹ درج شده بود، دربرمی‌گیرد. واکنش مطبوعات و فعالان فکری و سیاسی و فرهنگی ایران به این‌گونه مواضع ضدایرانی و الحاق‌گرایانه، مطالب اصلی کتاب پان‌ترکیسم و ایران را تشکیل داده است.

یکی از پیامدهای مهم انتشار این کتاب در این است که سند محکم و دست‌اولی به دست می‌دهد که نشان‌دهندهٔ استدلال برخی مبنی بر توهم پان‌ترکیسم و ادعاهای آن علیه ایران است. ذکر گفته‌ها و نوشته‌های نظریه‌پردازان و فعالان جریان پان‌ترکی علیه ایران از نشریات گوناگون ترکیه در آن سال‌ها این مسئله را روشن می‌کند که نه تنها این تهاجم گفتاری و نوشتاری واقعیت داشته است، بلکه اصولاً چنین مواضعی در وهلهٔ نخست سبب پیدایش دیدگاه منفی دربارهٔ پان‌ترکیسم شده و تا بدانجا پیش رفته که به آغاز تهاجم گفتاری و نوشتاری از سوی ایرانیان به جریان مذکور منجر شده است. وجود برخی ادبیات ضدترک یا زبان ترکی را باید نه ذاتی نگرش ایرانی، بلکه ناشی از مواضع شدید ضدایرانی روشن‌فکران و فعالان جریان پان‌ترکی علیه ایران و میراث تاریخی و فرهنگی آن، به‌ویژه زبان فارسی دانست.

کتاب روی‌هم‌رفته به چهار فصل اصلی تقسیم شده و نویسنده در این فصل‌ها ابعاد گوناگون مسئله را بررسی کرده است. در فصل نخست کتاب - که به نوعی در حکم نقد نیز هست - دو گفتار با عنوان جالب توجه «موج و صخره» آمده که در واقع بحثی تاریخی دربارهٔ چگونگی پیدایش اندیشهٔ پان‌ترکیسم در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم است. بیات با ارائهٔ دورهٔ اصلاحات (تنظیمات) در دورهٔ عثمانی، آشنا شدن نخبگان این امپراتوری با اندیشه‌های نوین اروپا به‌ویژه ناسیونالیسم را سرآغاز بیداری ترکان می‌داند. افرادی چون نامق کمال و سایر عثمانی‌های جوان پیشگام این اصلاحات بودند. این اصلاحات با روی کار آمدن سلطان عبدالحمید دوم همچنان ناکام ماند؛ چرا که وی با در پیش گرفتن سیاست‌های پان‌اسلامی، هرگونه گرایش ناسیونالیستی را مخالف سیاست‌های خود قلمداد می‌کرد. پس از سرنگونی عبدالحمید، ترک‌های جوان، با استفاده از احساسات مسلمانان، منافع ترکیهٔ عثمانی را به پیش ببرند. بیات سپس در قسمت‌های بعدی فصل نخست به جست‌وجوی ریشه‌های اندیشه و گرایش پان‌ترکی در میان منادیان داخلی و خارجی اولیه همچون احمد وثیق پاشا، علی سعوی، آرتور لوملی دیوید، لئون کاهون و آرمینیوس وامبری می‌گردد. این نویسندگان اخیر نقش مهمی در ترویج اندیشه‌های پان‌ترکی داشتند. نوشته‌های این نویسندگان - که تقی‌زاده، روشن‌فکر آذری ایرانی آنها را «قصه‌پردازی‌های یک یهودی فرانسوی» می‌خواند - مروج اصلی پان‌ترک‌ها شد. در قسمت‌های بعدی این فصل، بیات به نقش چهره‌های داخلی چون اسماعیل گاسپرینلسکی، شهاب‌الدین مرجانی، عبدالقیوم نصیری، یوسف آغچورا، احمد آقا اوغلو و یحیی‌بیگ حسین‌زاده در ترویج اندیشه‌های پان‌ترکی می‌پردازد. شاید همین اندیشه‌های رؤیاگونه دربارهٔ تأسیس یک امپراتوری سراسر ترک، از چین تا اروپا، باعث شد تا ترک‌های جوان به دامن سیاست‌های بین‌المللی معاصر گرفتار شوند و با پیوستن به آلمان در جنگ اول، هزینه‌های نابودی خود و سقوط امپراتوری ششصدسالهٔ عثمانی را فراهم سازند. در ادامه به شرح پیدایش پان‌ترکیسم و دیگر صاحب‌نظران و راهبردهای آن پرداخته است و سپس نشان می‌دهد که این موج، یعنی پان‌ترکیسم، دعاوی و سیاست‌های آن، در سر راه خود با یک مانع اصلی که «صخره» سرسخت ایران است، روبرو شده است. از آنجاکه نگرش پان‌ترکیسم به‌سوی شرق، یعنی آسیای میانه و چین است و این راه لاجرم می‌بایست از مسیر ایران بگذرد، تهاجم پان‌ترکیسم نخست متوجه ایران، یکپارچگی سرزمینی، تمدن و فرهنگ مردمان آن شد. دومین قسمت فصل نخست کتاب به تلاش‌های قلمی و لفظی فعالان پاک‌ترکیست



در عثمانی علیه ایران و تمامیت سرزمین و فرهنگی آن و واکنش ایرانی‌ها به این مواضع اختصاص دارد. پاسخ ایرانیان به حملات و عقاید افرادی چون سلیمان لطیف و روشنی بیک، تأکید بر وحدت ملی ایران و دفاع از زبان فارسی بود. این امر بیش از هر جا در آذربایجان و میان روشن‌فکران آذری مشاهده می‌شد.

ایستادگی شیخ محمد خیابانی در برابر پان‌ترکیست‌ها و مداخلات آنها در ایران به تبعید او از سوی ارتش عثمانی انجامید. بدین گونه بود که آذربایجان ایران به خط مقدم جبهه دفاع از میهن در برابر برنامه‌های پان‌ترکیست‌ها تبدیل شد.

در نخستین قسمت فصل دوم به آغاز دشمنی پان‌ترکیسم با ایران پرداخته شده و با ذکر فعالیت‌ها و نوشته‌ها و گفته‌های روشنی‌بیک، یکی از سردمداران ضدایرانی پان‌ترکیسم، علیه ایران، بازتاب آنها در ایران پیگیری شده است. روشنی‌بیک، شخصیت و فعال برجسته پان‌ترکیست است که در جنگ جهانی اول مدت‌ها در ایران و افغانستان به تبلیغات پان‌ترکی مشغول بود و بعدها در زمره نخستین آتش‌بیاران معرکه ایران و ترکیه بود. اظهارات روشنی‌بیک مبنی بر ترک بودن همه ایرانی‌ها، به جز تعدادی فارس پراکنده در بیابان‌ها و توهین به ایران و فرهنگ ایرانی و مردم ایران، با واکنش نخست دیپلمات‌های ایران در ترکیه و سرانجام مقالات مهم علی صادقی تبریزی، برجسته‌ترین پاسخگوی ایرانی به مواضع پان‌ترکیست‌ها محور بحث‌های این قسمت است.

دومین قسمت فصل دوم با عنوان «میان‌پرده قفقازی»، به به‌صحنه آمدن فعالان مسلمان قفقاز که تحت تأثیر گرایش‌های پان‌ترکی عثمانی قرار داشتند، و مواضع و اظهارات ضدایرانی آنها اختصاص دارد. کتاب محمدامین رسول‌زاده و اعتراض علی صادقی تبریزی به اظهارات رسول‌زاده در این کتاب، موضوع مدرسه اتحاد ایرانیان در باکو و تلاش‌های پان‌ترکی برای ممنوع ساختن تدریس زبان فارسی در آن و سرانجام ترور مایل تويسرکاني، معلم مدرسه، از موضوعات مهم و جالب توجه این قسمت است.

سومین بخش فصل سوم به تداوم بحران و ادامه مواضع ضدایرانی پان‌ترکیست‌هایی چون سلیمان نظیف که آذری‌های ایران را «برادران یتیم ما» و زرتشت را «پيامبر ترک» خوانده بود می‌پردازد. تداوم نقش بازیگر اصلی، یعنی روشنی‌بیک و پاسخ‌های سرسختانه ایرانیان آذری و غیرآذری چون علی صادقی تبریزی و حبیب‌الله نوبخت و دکتر رضازاده شفق بحث بعدی نویسنده است. مداخله دو دولت ایران و ترکیه و سرانجام وظیفه‌های عارف قزوینی در تبریز در دفاع از ایران، آخرین بحث‌های فصل دوم کتاب است.

فصل سوم کتاب با عنوان «مخاطره، مدافعه»، به سرچشمه‌های جریان پرداخته و با

بررسی ماهیت انجمن «ترک اجاقی» و مواضع آن علیه ایران، ریشه این نوع سیاست‌ها را تجزیه و تحلیل کرده است.

بیات در بخش نخست فصل سوم به سرچشمه‌های کار پرداخته است و تداوم بحران را در بیانات و مواضع محفل ترک اجاقی علیه ایران نشان می‌دهد. افرادی چون روشنی‌بیک و دیگران با استفاده از این محفل به ایجاد ادبیات نفرت ضدایرانی و توهین به فرهنگ و تاریخ و میراث ایران دست می‌زدند. به میدان آمدن کمیسیون رسیدگی برای پایان دادن به این کشمکش‌ها توانست تا حدی مؤثر افتد و از دامنه بحران بکاهد. با این همه، آغاز و تداوم این مواضع رومانتیک‌گونه پان‌ترکی و مشکلاتی که می‌توانست برای ایران داشته باشد، باعث شد تا دولت و روشن‌فکران ایران به فکر استحکام خطوط دفاعی ایران در برابر تهاجمات پان‌ترکی برآیند.

در گفتار دوم این فصل با عنوان «خطوط دفاعی»، نویسنده به تلاش ایرانیان برای مستحکم کردن مناطق و موضوعات مورد تهاجم پان‌ترکیسم پرداخته است و نشان می‌دهد که چگونه ایرانیان در آن دوران، نویسندگان و روشن‌فکران و فعالان سیاسی و فرهنگی ایران، به دعاوی پان‌ترکی درباره زبان فارسی و اهمیت آن برای ایران پاسخ داده‌اند و در جهت تقویت آن به عنوان زبان ملی و رسمی ایران، به‌ویژه در نقاط آسیب‌پذیری چون آذربایجان کوشیدند. روشنگری درباره آذربایجان تاریخی، یعنی نفی آذربایجان نامیدن اران و تأکید بر محدود بودن آذربایجان به سرزمین‌های شمال شرق ایران آن دوران، از جمله کارهای دیگر نخبگان فکری - فرهنگی ایران بود. در جهت همین اهداف بود که یکی از نخبگان برجسته آذری آن دوران، یعنی احمد کسروی، با نوشتن جزوه پژوهشی و تاریخی‌اش، یعنی آذری یا زبان باستان آذربایگانی، دعاوی پان‌ترکی را درباره قدیمی بودن زبان ترکی در ایران زیر سؤال برد و لهجه‌های زبان فارسی آن منطقه، یعنی زبان «آذری» را به جامعه فرهنگی ایران و خارج آن معرفی کرد. تلاش‌های برخی دیگر از روشن‌فکران ایرانی آن دوران همچون محمود افشار یزدی، برای بحث مسئله وحدت و هم‌بستگی و هویت ملی نیز از اقدامات دفاعی دیگر ایرانیان برای استحکام بخشیدن به مسئله اتحاد ملی در ایران آن دوران بود.

آخرین فصل کتاب که «پایان بحث» نام دارد در بردارنده تلاش‌های ایران در عرصه دیپلماتی برای کاهش دادن تنش دوجانبه بود که به‌ویژه با استحکام قدرت رضاشاه و ممنوع کردن هرگونه بحث درباره این مسئله و دامن زدن به آن، به عنوان سیاست رسمی دولت ایران، به اجرا گذاشته شد.



همچنین، این فصل به استقرار جمهوری ترکی پرداخته است و تلاش‌های دولت مصطفی کمال را برای پرهیز از سیاست‌های رومانتیک‌گونه پان‌ترکی، یعنی دوری از توران، سرزمین خیالی پان‌ترک‌ها و تمرکز بر «ترکیه»، سرزمین واقعی ترک‌ها، به بحث می‌گذارد. این فصل به ایجاد مجمع زبان تاریخ ترک و تمرکز دولت و روشنفکران ترکیه برای ایجاد هویت‌سازی و تاریخ‌نگاری برای ترک‌ها اشاره می‌کند. پالایش زبان ترکی از واژه‌های فراوان فارسی و به سرقت بردن چهره‌های ایرانی و تاریخ ایران برای ساختن تاریخ ترک و بزرگان ترک، بخشی از طرح ملیت‌سازی در ترکیه دوران آتاتورک بوده است. پان‌ترکیسم و ایران، نه تنها از لحاظ اسناد تاریخی اثر مهمی به شمار می‌آید، چرا که منبع تمامی این مشاجرات را در لابه‌لای صفحات خود ذکر کرده است، بلکه صفحه‌داران اصلی این کارزار را در دو طرف معرفی می‌کند. در طرف مقابل چهره‌هایی چون روشنی‌بیک، سلیمان نظیف، محمدامین رسول‌زاده، احمد شکری و رثوف‌بیک، از سرمداران اصلی موضع‌گیری‌های ضدایرانی جریان پان‌ترکی بودند.

در مقابل، افرادی چون حسن تقی‌زاده، علی صادق تبریزی (که بیات وی را «حریف قدیمی روشنی‌بیک» می‌خواند)، حبیب‌الله نوبخت، دکتر تقی ارانی، مقدم بیات، احمد کسروی و سرانجام رضازاده شفق، پرچم دفاع از ایرانی بودن آذربایجان و میراث تاریخی و فرهنگی ایران، به‌ویژه زبان فارسی را در برابر تهاجمات پان‌ترکی برافراشتند. نکته بسیار مهم در اینجا این است که قریب به اتفاق این افراد همه از آذربایجان ایران برخاسته بودند و از ایرانی بودن آن دفاع می‌کردند.

پان‌ترکیسم و ایران، خلأ ناشی از وجود نداشتن منابع دست‌اول و متن اظهارات و نوشته‌های مربوط را پر کرده و منبع گران‌بهایی را در اختیار ایران‌پژوهان قرار داده است. این واقعیت را به‌ویژه می‌توان در پیوست‌های کتاب که شامل اسناد و مقالات ضمیمه است یافت که کمتر از نیمی از صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است.

حمید احمدی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

E-mail: hamadi@ut.ac.ir

یادداشت

۱. برای ترجمه فارسی این اثر بنگرید به: جیکوب لاندو، پان‌ترکیسم: یک قرن در تکاپوی الخاق‌گری، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.